گزارش

سخنگوی کمیسیون اصل نود خبر داد
اعضای هیئت‌علمی بازنشسته اجباری دانشگاه فرهنگیان به خدمت بازمی‌گردند

سخنگوی کمیسیون اصل نود به ارائه توضیحاتی درباره پیگیری‌های این کمیسیون برای بازگشت به خدمت ۴۴۰ عضو هیئت‌علمی دانشگاه فرهنگیان پرداخت که به اجبار بازنشسته شده‌اند. به گزارش ایسنا، محمد معتمدی‌زاده، اظهار کرد: چند روز قبل شکایتی از سوی اعضای علمی دانشگاه فرهنگیان به کمیسیون اصل نود درباره بازنشستگی اجباری حدود ۴۰۰ نفر از اعضای هیئت‌علمی تطبیقی دانشگاه واصل شد. این بازنشستگی بر اساس تصمیم خلق‌الساعه‌ای از سوی مسئولان دانشگاه اعمال شده که نگرانی و شکایت این عزیزان برای احقاق حقوقشان را به دنبال داشت. او افزود: پس از برگزاری چندین جلسه با حضور نمایندگان اعضای هیئت‌علمی و مسئولان دانشگاه فرهنگیان، نهایتا تصمیم بر آن شد که استعلام حقوقی از معاونت حقوقی ریاست‌جمهوری دریافت شود. او ادامه داد: امروز نامه‌ای از سوی معاونت حقوقی ریاست‌جمهوری به کمیسیون اصل نود ارسال شد که در آن با دقت و حساسیت لازم، موضوع مورد بررسی قرار گرفته و دفاعیات نمایندگان اعضای هیئت‌علمی نیز مد نظر بوده است. بر اساس این نامه، ملاک عمل قرارگرفتن نظر حقوقی معاونت حقوقی ریاست‌جمهوری تصویب شده و کمیسیون اصل ۹۰ پیگیری جدی خود را برای بازگرداندن این عزیزان به وضعیت خدمت ادامه خواهد داد. معتمدی‌زاده همچنین به صورت‌جلسات هیئت امنای دانشگاه فرهنگیان اشاره کرد و گفت: صورت‌جلسه سال ۱۳۹۶ هیئت امنای دانشگاه فرهنگیان به اعضا اجازه داده است تا ۶۵سالگی به تدریس و فعالیت علمی خود ادامه دهند و بازنشسته شوند، درحالی‌که صورت‌جلسه سال ۱۳۹۷، حکم عامی است که نمی‌تواند حکم خاص مصوبه قبلی را نقض کند؛ بنابراین مصوبه سال ۱۳۹۶ به عنوان حکم خاص ملاک عمل خواهد بود. او اضافه کرد: برای اعضای هیئت‌علمی دانشگاه فرهنگیان که براساس صورت‌جلسه سال ۱۳۹۳ چشم‌انداز ادامه خدمت تا ۶۵سالگی را داشته‌اند، حقوق مکتسبه‌ای ایجاد شده که نباید نادیده گرفته شود. معتمدی‌زاده با تشکر از همکاری معاونت حقوقی ریاست‌جمهوری و مدیر کل حقوقی آن معاونت، گفت: نامه معاونت حقوقی امروز به وزارت آموزش و پرورش و دانشگاه فرهنگیان ابلاغ شده و امیدواریم با پیگیری‌های کمیسیون اصل نود، این عزیزان هرچه سریع‌تر به خدمت بازگردند و دغدغه‌هایشان حل شود. همایش «کمیسیون مردم هم‌رسان اصل نود قانون اساسی» برگزار می‌شود. سخنگوی کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی، با اعلام برنامه هفته آینده این کمیسیون، همچنین از برگزاری همایشی ویژه با همکاری مرکز پژوهش‌های مجلس، مرکز نوآوری قوه مقننه و دفتر مطالعات حکمرانی مجلس خبر داد و گفت: این همایش با عنوان «کمیسیون مردم هم‌رسان اصل نود قانون اساسی» با حضور اعضای کمیسیون اصل نود، اندیشکده‌ها، انجمن‌های تخصصی، تشکل‌های دانشجویی، فعالان مردمی، رسانه‌ها و نوآفرینان سیاسی برگزار خواهد شد. معتمدی‌زاده افزود: هدف از این برنامه ایجاد هم‌افزایی میان تشکل‌های مردمی، رسانه‌های اجتماعی، فعالان مطالبه‌گری و کمیسیون اصل نود است تا بتوان با هم‌فکری و همکاری مشترک، مسائل و مشکلات جامعه را بهتر پیگیری و حل‌وفصل کرد. سخنگوی کمیسیون اصل نود خاطرنشان کرد: این اقدام تجربه‌ای کارآمد و نوآورانه در حوزه همکاری‌های اشتراکی است که می‌تواند نقطه عطفی در معرفی بهتر کمیسیون اصل نود و تقویت ارتباطات آن با نهادهای مردمی و تخصصی باشد. با توجه به نقش نظارتی کمیسیون اصل نود بر عملکرد قوای سه‌گانه، این همایش گامی مهم در راستای ارتقای کیفیت و اثربخشی نظارت‌ها و تقویت ظرفیت‌های مردمی در این حوزه محسوب می‌شود. معتمدی‌زاده گفت: پس از برگزاری این همایش، گزارش کامل و بازخوردهای آن از زوایای مختلف به اطلاع عموم و فعالان حوزه‌های مرتبط خواهد رسید تا زمینه‌های همکاری گسترده‌تر فراهم شود

نادری: تاکنون استیضاحی به کمیسیون‌ها ارسال نشده است

عضو هیئت‌رئیسه مجلس با بیان اینکه تاکنون هیچ استیضاحی به کمیسیون‌ها ارسال نشده است، گفت: زمانی استیضاحی اعلام وصول می‌شود که موضوع استیضاح از طرف هیئت‌رئیسه به کمیسیونی ارجاع داده شده باشد و کمیسیون گزارش خود را به هیئت‌رئیسه ارسال کند تا در دستور صحن قرار گیرد. احمد نادری در گفت‌وگو با ایسنا اظهار کرد: به عنوان مسئول استیضاح‌ها در هیئت‌رئیسه لازم است توضیحاتی ارائه کنم. او توضیح داد: در حال حاضر، تقاضای استیضاح چهار وزیر نیرو، راه و شهرسازی، تعاون، کار و رفاه اجتماعی و جهاد کشاورزی به هیئت‌رئیسه «ارسال» شده، اما تاکنون هیچ استیضاحی به کمیسیون‌ها «ارجاع نشده» و هیئت‌رئیسه در حال بررسی است که آیا استیضاح‌ها را به کمیسیون‌های مربوطه ارجاع دهد یا خیر. این عضو هیئت‌رئیسه مجلس مجددا گفت: بنابراین هیچ استیضاحی به کمیسیون‌ها ارجاع نشده است و هیچ استیضاحی هم «اعلام وصول نشده» است، چون زمانی استیضاحی اعلام وصول می‌شود که موضوع استیضاح از طرف هیئت‌رئیسه به کمیسیونی ارجاع داده شده باشد و کمیسیون گزارش خود را به هیئت‌رئیسه ارسال کرده باشد تا در دستور صحن قرار گیرد. نادری افزود: آن زمان وزیر مربوطه چند روز برای حضور در صحن و دفاع از عملکرد خود فرصت دارد؛ بنابراین اعلام وصول استیضاح بعد از ارجاع تقاضای استیضاح به کمیسیون است. ما هنوز تقاضای استیضاحی به کمیسیونی ارسال نکرده‌ایم و در حال بررسی هستیم.

لاهوتی: باید دولت کوچک شود

عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس بر لزوم کوچک‌شدن دولت طبق قانون برنامه هفتم تاکید کرد. مهرداد لاهوتی در جلسه علنی دیروز مجلس در تذکری گفت: طبق مواد ۱۰۵ و ۱۰۶ قانون برنامه هفتم، دولت باید سالانه سه درصد کوچک شود و پنج درصد از فضاهای اداری را کم کند اما سازمان امور استخدامی روش درستی در پیش نگرفته است.

او افزود: امروز درباره سازمان عشایر بحث داشتیم، اما این تنها مورد نیست؛ سازمان شیلات، سازمان منابع طبیعی و حتی سازمان چای نیز در معرض تغییرات هستند. اگر مثلا سازمان چای منحل شود، کشاورزان با مشکلات جدی مواجه می‌شوند. این اصلاحات باید با دقت و هماهنگی انجام شود.

لاهوتی بیان کرد: همان‌طور که به آقای رفیع‌زاده گفتم، ساختار وزارت راه نباید بدون مشورت با وزیر تغییر کند، اما اگر این اصلاحات به صورت دستوری و از بالا ابلاغ شود، مانند ساختار جدید سازمان عشایر، نتیجه‌ای نخواهد داشت.

علی نیکزاد، نایب‌رئیس مجلس، در پاسخ به این تذکر گفت: ما به نیابت از شما نمایندگان همراه با آقای تاج‌گردون، معاونان قوانین و نظارت و کارشناسان مرکز پژوهش‌ها، در دفتر معاون اول رئیس‌جمهور جلسه‌ای با آقای رفیع‌زاده و دولت داشتیم. او افزود: بودجه عمومی کشور حدود پنج میلیون میلیارد تومان است و ۹۰ درصد آن صرف هزینه‌های جاری می‌شود. در حال حاضر هزارو ۶۵ طرح ملی در کشور داریم که با وضعیت فعلی ۲۹ سال زمان می‌برد تا تکمیل شود. در درون این موضوع نیز ۲۴ هزار پروژه استانی نیز وجود دارد که در صورت ثبات شرایط تورمی، اتمام آنها بیش از ۱۰ سال طول خواهد کشید. ما این مسائل را به آقای رفیع‌زاده منتقل کردیم که ایشان می‌گوید با هیچ‌کدام از اعضای دولت درباره کوچک‌سازی به توافق نرسیده‌ایم. نیکزاد تاکید کرد: موضوع راهبری اجرای برنامه از سوی مجلس و رئیس کمیسیون برنامه و بودجه دنبال می‌شود اما آنها نیز در مذاکرات با دولت به توافق نمی‌رسند؛ بنابراین این تذکر کاملا بجاست و باید به‌صورت جدی پیگیری شود.

«شرق» در دومین سالگرد هفتم اکتبر، آثار این رخداد بر نظم منطقه‌ای و جهانی و جایگاه ایران در این نظم را در گفت‌وگو با کارشناسان واکاوی می‌کند

بین بحران و بیداری

عبدالرحمن فتح‌الهی: با عبور از هفتم اکتبر ۲۰۲۵، جهان وارد سومین سالگرد عملیات «طوفان الاقصی» شده است؛ رویدادی که در آغاز کمتر کسی تصور آثار و تبعات بعدی آن را داشت، اما اتفاقات بعد از عملیات به‌سرعت به بهمنی سهمگین بدل شد که نه‌تنها جغرافیای سیاسی خاورمیانه، بلکه مناسبات جهانی را نیز دگرگون کرد. طوفان الاقصی و هفتم اکتبر، اکنون در حافظه سیاسی منطقه به عنوان نقطه‌ای عطف در آغاز نظمی نوین در غرب آسیا ثبت شده است؛ تا جایی که از آن به‌مثابه «۱۱ سپتامبر دوم» یاد می‌شود که آغازگر نظمی شده که نشانه‌های آن در ابعاد نظامی، سیاسی، فرهنگی و دیپلماتیک به‌وضوح قابل مشاهده است و تبعات آن همچنان در حال گسترش.

بارزترین جلوه این نظم جدید، بی‌تردید در نوار غزه نمایان است؛ جایی که در دو سال گذشته صحنه یکی از سنگین‌ترین و بی‌رحمانه‌ترین جنایات قرن بوده است. حجم و شدت بمباران‌ها، کشتار غیرنظامیان، تخریب زیرساخت‌های حیاتی و محاصره کامل انسانی، همه و همه تصویری از «آخرالزمان انسانی» را پیش چشم جهانیان قرار داده است. بااین‌حال، این حجم از کشتار قطعا بدون تبعات نیست و در کنار این فجایع، اسرائیل در عرصه دیپلماتیک و سیاسی با انزوایی بی‌سابقه مواجه شده است. موج اعتراضات مردمی در سراسر جهان علیه جنایات اسرائیل، از نیویورک و لندن تا جاکارتا و کیپ‌تاون، به یک جنبش جهانی بدل شده که مشروعیت این رژیم را به چالش کشیده است. در نتیجه این تحولات، برای نخستین بار بیش از ۱۵۰ کشور جهان در اقدامی نمادین، موجودیت دولت مستقل فلسطین را به رسمیت شناختند؛ اقدامی که اگرچه در شورای امنیت با وتوی ایالات متحده متوقف شد، اما از منظر سیاسی و اخلاقی، شکستی تاریخی برای اسرائیل به شمار می‌رود. افزون بر آن، دانشگاه‌ها، نهادهای فرهنگی و مجامع علمی جهان نیز یکی پس از دیگری از همکاری با نهادهای اسرائیلی سر باز زده‌اند. به این ترتیب، رژیمی که خود را مدعی توسعه و فناوری می‌دانست، اکنون در انزوایی بی‌سابقه فرو رفته است. اما این سکه روی دیگری نیز دارد؛ عملیات هفتم اکتبر فقط به تضعیف اسرائیل در افکار عمومی جهان محدود نماند، بلکه موجی از ناامنی، خشونت و درگیری را نیز در سراسر خاورمیانه برانگیخت. در دو سال گذشته، ترور رهبران کلیدی مقاومت از جمله اسماعیل هنیه، صالح العاروری، سیدحسن نصرالله، یحیی السنوار و... ضرباتی را بر پیکره محور مقاومت وارد کرد. در کنار این ترورها، حملات اسرائیل به لبنان و یمن نیز ابعادی تازه یافت؛ تا جایی که در ماه‌های اخیر حتی خاک قطر نیز هدف حملات محدود هوایی قرار گرفت. در همین بازه زمانی، سقوط حکومت بشار اسد در سوریه نیز رخدادی تعیین‌کننده بود که معادلات امنیتی منطقه را بیش از پیش پیچیده کرد. اما شاید مهم‌ترین تحول برای ایران در دل این دو سال پرآشوب، عبور از مرحله «جنگ نیابتی» و ورود به یک مواجهه مستقیم با اسرائیل بود. برای نخستین بار در تاریخ منازعه تهران و تل‌آویو، دو طرف درگیر عملیات‌هایی با ابعاد آشکار نظامی شدند. آغاز این روند با «وعده صادق ۱ و ۲» همراه بود؛ عملیات‌هایی که پاسخی آشکار به تجاوزات اسرائیل به مواضع محور مقاومت در سوریه و لبنان به شمار می‌رفت. اما نقطه اوج این منازعه را باید در خرداد امسال جست‌وجو کرد؛ جایی که تجاوز ۱۲روزه اسرائیل با حمله گسترده و بی‌سابقه ایران در قالب «وعده صادق ۳» پاسخ داده شد. این رویارویی، چهره تازه‌ای از معادلات قدرت در خاورمیانه را نمایان کرد و نشان داد موازنه بازدارندگی به طور کامل تغییر کرده است.

اکنون، با گذشت دو سال از آغاز طوفان الاقصی، منطقه در وضعیتی ایستاده که نه می‌توان آن را به دوران پیش از اکتبر بازگرداند و نه می‌توان آینده‌اش را به‌سادگی پیش‌بینی کرد. از یک سو، محور مقاومت با از دست دادن شماری از رهبران خود و تحمل هزینه‌های سنگین انسانی در غزه، درگیر بازسازی ساختار و راهبردهایش است و از سوی دیگر، اسرائیل با وجود تمام خشونت‌ها و جنایت‌ها، نتوانسته به اهداف اولیه خود، یعنی نابودی حماس و فروپاشی کامل مقاومت، دست یابد. این رژیم، پس از دو سال جنگ بی‌امان، نه‌تنها از امنیت فاصله گرفته است، بلکه بیش از هر زمان دیگری در معرض خطر فروپاشی اجتماعی و سیاسی قرار دارد. در سطح بین‌المللی نیز تداوم جنگ در غزه و گسترش دامنه درگیری‌ها به یمن، لبنان و حتی ایران، معادلات جهانی را دستخوش تغییر کرده است. ایالات متحده که روزی خود را تضمین‌کننده امنیت اسرائیل می‌دانست، امروز با بحران مشروعیت داخلی و ناتوانی در مدیریت متحدانش روبه‌رو است. اروپا نیز میان فشار افکار عمومی و منافع استراتژیک، به سردرگمی دیپلماتیکی گرفتار آمده که نشانه‌ای از فروپاشی نظم سنتی غرب‌محور است.

در چنین شرایطی، بسیاری از تحلیلگران بر این باورند که طوفان الاقصی، نه یک حادثه مقطعی، بلکه نقطه آغاز نظمی جدید در خاورمیانه است؛ نظمی که برخلاف گذشته، بر پایه مقاومت، آگاهی عمومی و استقلال ملت‌ها شکل می‌گیرد. هرچند هنوز گردوغبار این تحولات فرو ننشسته و تصویر نهایی آن مبهم است، اما یک واقعیت انکارنشدنی است: پس از هفتم اکتبر ۲۰۲۳، خاورمیانه دیگر آن خاورمیانه پیشین نیست و هیچ قدرتی، حتی اسرائیل یا آمریکا، نمی‌تواند چرخ تاریخ را به عقب بازگرداند. جهان امروز، در دومین سالگرد طوفان الاقصی، در برابر آزمونی تاریخی ایستاده است؛ آزمونی میان سلطه و آزادی، میان قدرت و عدالت، میان فراموشی و بیداری و میان بحران و بیداری. اینکه واقعا عملیات طوفان الاقصی و تحولات دوساله پس از هفتم اکتبر چه بر سر خاورمیانه و جهان آورده است و ایران در کجای این معادلات قرار دارد، سؤالی است که «شرق» در گفت‌وگو با کارشناسان به بررسی دقیق‌تر آن می‌پردازد.

فرشید باقریان: ۷ اکتبر، ۱۱ سپتامبر دوم نبود، بلکه ۲۸ مرداد اسرائیل بود

فرشید باقریان در گفت‌وگوی خود با «شرق» و در تحلیل تحولات پس از حمله هفتم اکتبر ۲۰۲۳، این روز را نه «۱۱ سپتامبر دوم»، بلکه «۲۸ مرداد اسرائیل» می‌نامد؛ تعبیری که به گفته او: «بازتاب‌دهنده فروپاشی ساختار ذهنی و سیاسی اسرائیل در برابر واقعیت‌های جدید منطقه است». این پژوهشگر حوزه بین‌الملل یقین دارد: «آنچه در هفتم اکتبر رخ داد، نه صرفا یک حمله نظامی، بلکه کودتایی علیه اسرائیل بود؛ کودتایی که بنیاد مشروعیت و هژمونی این رژیم را در سطح جهانی به چالش کشید». با چنین برداشتی، این مفسر ارشد سیاست خارجی از نظم جدید منطقه می‌گوید و به زعمش: «رخداد هفتم اکتبر ساختار قدرت در خاورمیانه را لرزاند؛ زیرا برای نخستین بار اسرائیل نه در میدان جنگ، بلکه در میدان ادراک و حیثیت سیاسی شکست خورد». او به صحنه‌ای اشاره می‌کند که «نمایندگان اروپایی و آمریکایی پس از هفتم اکتبر یکی پس از دیگری به اسرائیل می‌رفتند تا از نتانیاهو حمایت کنند»، اما باقریان معتقد است: «از آن روز تا امروز، مفهومی به نام تحریم اسرائیل از شعار به واقعیت بدل شده است؛ تغییری که حتی در تصور رهبران اروپایی هم نمی‌گنجید». به گفته این تحلیلگر: «آنچه پس از هفتم اکتبر رخ داد، فقط به درگیری میان حماس و اسرائیل محدود نماند، بلکه معادله قدرت جهانی را دگرگون کرد». پژوهشگر مسائل بین‌الملل بر این باور است: «اسرائیل با وجود حملات گسترده و تلفات انسانی بالا، به هیچ موفقیتی در اشغال دست نیافته است و برخلاف آنچه گفته می‌شود، هفتم اکتبر مانند ۱۱ سپتامبر دوم به نظم جدید در منطقه و جهان منتج شد، چنین اتفاقی روی نداد». چراکه به باور باقریان: «در ۱۱ سپتامبر آمریکا توانست با حمله به عراق و افغانستان حکومت طالبان و صدام را سرنگون کند، اما امروز و پس از دو سال کشتار و جنایت بی‌نتیجه، اسرائیل مجبور شد پشت درهای بسته با حماس مذاکره کند. در واقع، آنچه در ظاهر جنگ بود، در باطن پذیرش ناگزیر گفت‌وگو با نیرویی بود که مقاومت می‌کرد».

به تعبیر مفسر حوزه سیاست خارجی: «این رویداد یادآور همان منطق تاریخی ۲۸ مرداد است؛ جایی که یک قدرت به‌ظاهر مسلط، ناگهان با فروپاشی درونی مواجه می‌شود». باقریان در ادامه به «شرق» می‌گوید: «حماس نه‌تنها با اسرائیل، بلکه با نظم سلطه غربی جنگید. وقتی وزیران و سیاست‌مداران رده‌بالای آمریکا و اروپا به منطقه رفت‌وآمد کردند، هدف‌شان نه میانجیگری، بلکه حفظ موجودیتی بود که بنیان آن از مانیفست ۱۹۱۷ بریتانیا تا امروز، بر پایه حمایت استعماری بنا شده بود».

به اعتقاد او: «اسرائیل اکنون درگیر نوعی فروپاشی ضمنی است؛ فروپاشی‌ای که در ظاهر دیده نمی‌شود، اما در عرصه مشروعیت و اعتماد جهانی کاملا هویداست. اسرائیل دیگر آن ببر خروشان نیست؛ بیشتر شبیه ببر کاغذی است که فقط با صدای رسانه‌ها زنده می‌ماند».

تحلیلگر ارشد روابط بین‌الملل بر این باور است: «پیامدهای هفتم اکتبر هنوز ادامه دارد و نقشه ژئوپلیتیکی منطقه در حال بازتعریف است؛ چون در دو سال اخیر، تحولات پیرامون اسرائیل از هر دوره دیگری پرشتاب‌تر بوده است. برای نخستین بار، ایران در جایگاه کشوری ظاهر شد که نه‌تنها در برابر حملات اسرائیل واکنش نشان داد، بلکه ابتکار عمل را نیز در اختیار گرفت. این یک تغییر پارادایم است؛ تغییری که حتی در تل‌آویو هم پذیرفته شده است». به گفته این تحلیلگر سیاست خارجی: «حملات متقابل ایران و اسرائیل نشان داد تل‌آویو دیگر قادر به حفظ برتری سنتی خود نیست. وقتی ایران توانست در مدت ۱۲ روز پاسخی قاطع بدهد، در واقع نشان داد موازنه قدرت تغییر کرده است. از این پس، هر اقدام نظامی علیه ایران، می‌تواند به واکنشی چندجانبه و هماهنگ منجر شود». باقریان در ادامه با اشاره به تحولات غزه اعتقاد دارد: «حماس اکنون نه صرفا یک گروه نظامی، بلکه بازیگری سیاسی با ظرفیت مذاکره و سازمان‌دهی است؛ چراکه امروز مقاومت از مرحله بقا عبور کرده و وارد مرحله هدایت مذاکرات شده است. این تحول شاید یکی از مهم‌ترین پیام‌های هفتم اکتبر باشد؛ پیامی که نشان می‌دهد ساختار سیاسی منطقه دیگر به گذشته بازنخواهد گشت». به تعبیر این پژوهشگر ارشد مسائل بین‌الملل: «هفتم اکتبر فقط یک رویداد نظامی نبود، بلکه زلزله‌ای سیاسی و دیپلماتیک بود که ریشه‌های نظم پیشین را لرزاند. در این دو سال، اسرائیل بیش از هر زمان دیگری ناچار به پذیرش واقعیت شده است. همان‌طور که انگلیس پس از جنگ جهانی دوم نقش خود را در استعمار از دست داد، اسرائیل نیز در حال گذار به دوره‌ای است که دیگر نمی‌تواند تعیین‌کننده باشد». باقریان در پایان تاکید می‌کند: «این تحول نه صرفا در خاورمیانه، بلکه در وجدان جهانی بازتاب یافته است. وقتی افکار عمومی اروپا در برابر تصاویر جنگ غزه خشمگین می‌شود، یعنی دوران مشروعیت بی‌پاسخ اسرائیل به پایان رسیده است. از همین منظر، من هفتم اکتبر را ۲۸ مرداد اسرائیل می‌دانم؛ روزی که ساختار یک قدرت، زیر آوار واقعیت فرو ریخت».

محمدصالح صدقیان: نظم جدید خاورمیانه پس از ۷ اکتبر، نظمی پرهزینه برای محور مقاومت بود

محمدصالح صدقیان هم دیگر کارشناسی بود که در گپ‌وگفتش با «شرق»، قرائتی کاملا عکس هفتم اکتبر دارد و برخلاف تحلیل فرشید باقریان، تأکید و تصریح می‌کند: «رویداد هفتم اکتبر ۲۰۲۳، نقطه عطفی در تاریخ ۷۵ساله منازعه فلسطین و اسرائیل بود. رخدادی که اگرچه در ظاهر یک حمله نظامی از سوی حماس به سرزمین‌های اشغالی بود، اما در عمق خود نظم جدیدی را در منطقه خاورمیانه شکل داد؛ نظمی که به باور تحلیلگر ارشد جهان عرب: «نه‌تنها پیچیده‌تر از گذشته است، بلکه پیامدهای ویرانگر و پرهزینه‌ای برای محور مقاومت به‌همراه داشته است». مفسر ارشد سیاست خارجی بر این باور است: «در طول هفت دهه گذشته، هیچ حادثه‌ای در داخل سرزمین‌های اشغالی به وسعت و اهمیت هفتم اکتبر رخ نداده بود. از زمان اشغال فلسطین در سال ۱۹۴۸ تاکنون، هیچ‌گاه چنین زلزله‌ای سیاسی و امنیتی در درون اسرائیل دیده نشده بود. این حادثه خاورمیانه را از خواب بیدار کرد، اما بیداری‌ای که بهای سنگینی برای ملت‌های منطقه داشت».

به گفته کارشناس مسائل غرب آسیا: «این واقعه دو قرائت عمده در منطقه ایجاد کرد: نگاه خوش‌بینانه و نگاه بدبینانه. در نگاه نخست، ۷ اکتبر موجب شد چهره واقعی اسرائیل در سطح جهانی آشکار شود». صدقیان یادآور می‌شود: «پس از این حمله، موجی از همدلی مردمی با فلسطینی‌ها در کشورهای اروپایی و آمریکایی به‌راه افتاد و برای اولین‌بار در تاریخ، دادگاه بین‌المللی لاهه مقامات ارشد اسرائیل از جمله بنیامین نتانیاهو و وزیر دفاعش را تحت تعقیب قرار داد». از این منظر و به گفته این کارشناس ارشد حوزه خاورمیانه: «اسرائیل به نماد تروریسم دولتی تبدیل شد و این خود پیروزی بزرگی برای ملت فلسطین بود».

ادامه در صفحه ۳

اکنون، با گذشت دو سال از آغاز طوفان الاقصی، منطقه در وضعیتی ایستاده که نه می‌توان آن را به دوران پیش از اکتبر بازگرداند و نه می‌توان آینده‌اش را به‌سادگی پیش‌بینی کرد. از یک سو، محور مقاومت با از دست دادن شماری از رهبران خود و تحمل هزینه‌های سنگین انسانی در غزه، درگیر بازسازی ساختار و راهبردهایش است و از سوی دیگر، اسرائیل با وجود تمام خشونت‌ها و جنایت‌ها، نتوانسته به اهداف اولیه خود، یعنی نابودی حماس و فروپاشی کامل مقاومت، دست یابد

خبر

عراقچی تماس با ویتکاف و هرگونه گفت‌وگو با طرف آمریکایی را تکذیب کرد
فعلا مذاکره‌ای نخواهد بود

شرق: روز گذشته سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران، در حاشیه نشست هیئت دولت، در واکنش به ادعای یک رسانه کویتی گفت: «هیچ‌گونه تماسی با ویتکاف نداشته‌ام و خبر منتشرشده از سوی روزنامه الجریده کویت را تکذیب می‌کنم. چنین گفت‌وگویی اصلا انجام نشده است».

این اظهارات در پی انتشار گزارشی از روزنامه «الجریده» مطرح شد که در آن ادعا شده بود استیو ویتکاف، فرستاده آمریکا در منطقه، در تماسی با عراقچی، خواستار حمایت ایران از طرح صلح پیشنهادی دونالد ترامپ برای پایان‌دادن به جنگ غزه شده است. براساس گزارش این روزنامه، یک منبع آگاه در وزارت خارجه ایران مدعی شده بود که در روزهای اخیر، چند تماس میان عراقچی و ویتکاف درباره ازسرگیری مذاکرات هسته‌ای صورت گرفته است. به گفته این منبع، این تماس‌ها پس از حمله غیرمنتظره اسرائیل به ایران در ماه ژوئن انجام شده؛ حمله‌ای که به آغاز درگیری‌ای انجامید که اکنون با عنوان «جنگ ۱۲روزه» شناخته می‌شود. در این درگیری، آمریکا نیز با هدف قراردادن برخی تأسیسات هسته‌ای ایران مشارکت داشته و در نهایت، آتش‌بسی شکننده برقرار شده است. طبق ادعای این منبع، آخرین تماس میان طرفین شنبه‌شب گذشته انجام شده و در آن، دو طرف بر لزوم بازگشت به میز مذاکره توافق کرده‌اند. همچنین گفته شده که احتمال دارد طی هفته آینده، نشست‌هایی محرمانه میان تهران و واشنگتن در عمان یا قطر برای هماهنگی‌های اولیه پیش از آغاز رسمی مذاکرات برگزار شود.

این منبع همچنین مدعی شده بود که در تماس پیش از آن، ویتکاف خواستار اعلام حمایت ایران و متحدانش -از جمله حزب‌الله لبنان- از طرح صلح ترامپ در غزه شده است. در پاسخ، عراقچی ضمن اعلام حمایت از موضع دفتر سیاسی حماس، تأکید کرده که ایران از هر طرحی که منجر به توقف خون‌ریزی در غزه شود، پشتیبانی می‌کند.

سخنگوی وزارت خارجه:
ایران هرگز برای مذاکره التماس نمی‌کند

اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه نیز در نشست خبری اخیر خود درباره روایت‌های مختلف درباره پیشنهاد مذاکره مستقیم ایران با آمریکا، گفت: «جمهوری اسلامی ایران هرگز برای مذاکره التماس نمی‌کند. ما مذاکره را امری دوسویه می‌دانیم که باید با رعایت منافع ملی درباره آن تصمیم‌گیری شود. حفظ امنیت و منافع ملی برای ما به اندازه صیانت از عزت ملی اهمیت دارد. روند دیپلماتیک زمانی ارزشمند است که در خدمت حقوق ملت ایران باشد».

او افزود: «پیش از سفر هیئت ایرانی به نیویورک، پیشنهادهایی از سوی دبیر کل سازمان ملل و مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای برگزاری نشست‌هایی با حضور نماینده آمریکا مطرح شد. ایران با حسن نیت با این پیشنهادها موافقت کرد. اما با وجود روایت‌های مختلف از سوی طرف مقابل، از جمله ناتوانی سه کشور اروپایی در متقاعدکردن آمریکا، این نشست‌ها برگزار نشد».

بقایی تأکید کرد: «در هر سه مرحله، این طرف مقابل بود که از تشکیل نشست خودداری کرد. ایران اما گفت‌وگوهای متعددی -چه به صورت دوجانبه با سه کشور اروپایی و چه با حضور نماینده سیاست خارجی اتحادیه اروپا- برگزار کرده است. این، واقعیت ماجراست».

پیش از این، فاطمه مهاجرانی نیز در اظهاراتی درباره حسن نیت ایران گفته بود که پیشنهاد مذاکره مستقیم از سوی ایران همراه با حضور وزرای خارجه سه کشور اروپایی ارائه شده، اما طرف آمریکایی در زمان مقرر حاضر به حضور در جلسه نشده است.